

۱ مفهوم کَلّی هریک از ابیات زیر را بنویسید.
 الف) هر که جز ماهی ز آبش سیر شد / هر که بی‌روزی است روزش دیر شد
 ب) خانه‌ای کاو شود از دست اجانب آباد / زاشک ویران گُنش آن خانه که بیت‌الْحَزَن است

۲ در بیت زیر، آرایه‌ی درست را از کمانک مقابل آن، انتخاب کنید.
 آتش عشق است کاندِر نی فتاد / جوشش عشق است کاندِر می فتاد (تشبیه / جناس همسان)

۳ در بیت زیر، منظور از «نیستان» چیست؟
 «کز نیستان تا مرا ببریده‌اند / در نفیرم مرد و زن نالیده‌اند»

۴ جدول زیر را با توجه به مفاهیم ابیات درس کامل کنید.

شماره‌ی بیت	مفهوم
.....	دشوار و پرخطر بودن راه عشق
هفتم
.....	اشتیاقِ پایان‌ناپذیر عاشق
.....	نقش ظرفیت وجودی افراد در تأثیرپذیری از عشق
دهم

۵ نقش دستوری گروه‌های اسمی مشخص شده در بیت زیر را بنویسید.
 هرکسی از ظنّ خود شد یارِ مین / از درون من نجست اِسِرارِ مین

۶ با توجه به دو بیت زیر از مولوی، آیا می‌توان «دیر شدن روز» و «بی‌گاه شدن» را معادل معنایی یک‌دیگر دانست؟ دلیل خود را بنویسید.

الف) مکر او معکوس و او سرزیر شد / روزگارش برد و روزش دیر شد
 ب) بی‌گاه شد بی‌گاه شد، خورشید اندر چاه شد / خورشید جان عاشقان در خلوت اللّٰه شد

۷ مفهوم کدام بیت بیانگر این موضوع است که: «ظاهر انسان بیانگر احوال درونی اوست»؟
 الف) سَرّ من از ناله‌ی من دور نیست / لیک چشم و گوش را آن نور نیست
 ب) هرکسی کاو دور ماند از اصل خویش / باز جوید روزگار وصل خویش

۸ در مورد زیر نوع نقش نمای مشخص شده را بنویسید.
 هرآزور و فیروزی از داور است

۹ عبارت زیر را به نثر ساده و روان امروزی بنویسید.
 مَحْرَمِ این هوش جز بی‌هوش نیست.

۱۰ منظور از مصرع «هر که بی‌روزی است، روزش دیر شد» چیست؟

۱۱ در بیت «مَحْرَمِ این هوش جز بی‌هوش نیست / مر زبان را مشتری جز گوش نیست»، «بی‌هوش» به چه کسی اطلاق می‌شود؟

۱۲ عبارت زیر را به نثر روان و ساده امروزی بنویسید.
هرکسی از ظن خود شد یار من

۱۳ نوع نقش نمای مشخص شده را بنویسید.
او را دلارام نام است.

۱۴ نوع نقش نمای مشخص شده را بنویسید.
همه قصه‌ی خویش موسی را بگفتند.

۱۵ شعر زیر را به نثر ساده و روان امروزی بنویسید.
روزها با سوزها همراه شد

۱۶ شعر زیر را به نثر روان برگردانید.
تن ز جان و جان ز تن مستور نیست
لیک کس را دید جان دستور نیست

۱۷ با توجه به بیت «هر که جز ماهی، ز آبش سیر شد / هر که بی‌روزی است، روزش دیر شد» «بی‌روزی» و «دیر شدن روز» به ترتیب به چه معناست؟

۱۸ مفهوم عبارت زیر را به فارسی روان بنویسید.
نی حدیث راه پُر خون می‌کند.

با توجه به شعر زیر به سؤالات پاسخ دهید:
«هر که جز ماهی، ز آبش سیر شد
در نیابد حال پخته هیچ خام
هر که بی‌روزی است، روزش دیر شد
پس سخن کوتاه باید، والسلام»

۱۹ منظور از «ماهی» چیست؟

۲۰ مصراع اول بیت دوم به چه معنا است؟

۲۱ معنی و مفهوم شعر زیر را بنویسید.
آتش است این بانگ نای و نیست باد
هر که این آتش ندارد نیست باد

۲۲ بیت زیر را به نثر روان برگردانید.
سرّ من از ناله‌ی من دور نیست
لیک چشم و گوش را آن نور نیست

۲۳ در شعر زیر معنی واژه‌ی مشخص شده را بنویسید.
کز نیستان تا مرا ببریده‌اند
از نیفرم مرد و زن نالیده‌اند

عبارت زیر را به نثر ساده و روان امروزی بنویسید.
هر که بی‌روزی است، روزش دیر شد

۲۴

«جناس تام» به کار رفته در بیت زیر را مشخص کرده و دلیل خود را بنویسید.
«نه عجب که قلب دشمن شکنی به روز هیجا
تو که قلب دوستان را به مفارقت شکستی»

۲۵

چرا می‌گوییم در عبارت زیر جناس تام وجود دارد؟
«برادر که در بند خویش است نه برادر، نه خویش است.»

۲۶

در بیت زیر جناس تام را تعیین کنید و معنی هر یک از ارکان را بیان نمایید.
خرم تن او که چون روانش
از تن برود، سخن روان است

۲۷

بیت «ما ز دریاییم و دریا می‌رویم
ما ز بالاییم و بالا می‌رویم»
با کدام بیت از شعر درس ارتباط معنایی نزدیکی دارد؟

۲۸

جناس تام را تعیین کنید و معنی هر یک از ارکان را بگویید.
- کتابی که در او داد سخن آرایی توان داد، ابداع کنم.

۲۹

«سعد الدین وراوینی»

جناس تام را تعیین کنید و معنی هر یک از ارکان را بگویید.
با زمانی دیگر انداز، ای که پندم می‌دهی
کاین زمانم گوش بر چنگ است و دل در چنگ نیست

۳۰

«سعدی»

جناس تام را تعیین کنید و معنی هر یک از ارکان را بگویید.
نالَم زدل چو نای من اندر حصار نای
پستی گرفت همت من زین بلند جای

۳۱

«مسعود سعد»

- ۱ الف) اشتیاق پایان‌ناپذیر عاشق (ص ۵۰) ب) بیگانه‌ستیزی (ص ۲۶)
- ۲ تشبیه (ص ۴۷) (تشبیه عشق به آتش)
- ۳ عالم معنا / حقیقی، درگاه حق (ص ۴۶)

مفهوم	شماره‌ی بیت
دشوار و پرخطر بودن راه عشق	سیزدهم
.....	هفتم
اشتیاقِ پایان‌ناپذیر عاشق	هفدهم
نقش ظرفیت وجودی افراد در تأثیرپذیری از عشق	دوازدهم
.....	دهم

- ۴
- ۵
- ۶ الف) دیر شدن: گذشتن زمان، فوت شدن
ب) بیگانه شدن: روز به آخر شدن، وقت شام شدن، به پایان رسیدن روز، شب شدن
- ۷ الف) یا (سّر من از ناله‌ی من دور نیست / لیک چشم و گوش را آن نور نیست)، ص ۵۰
- ۸ فکّ اضافه (اضافه‌ی گسسته) (۰/۲۵)
- ۹ حقیقت عشق را هر کسی درک نمی‌کند، تنها عاشق (بی‌هوش) محرم است. (۰/۵)
- ۱۰ هر کس از عشق بی‌بهره باشد. (۰/۲۵) روزگارش تباه و بیهوده می‌شود. (۰/۲۵)
- ۱۱ عاشق (۰/۲۵)
- ۱۲ هر کس در حد فهم خود با من یار شد. (۰/۲۵)
- ۱۳ رای فک اضافه (۰/۲۵)
- ۱۴ حرف اضافه (۰/۲۵)
- ۱۵ عاشق: عمری غمگین است (۰/۲۵) و روزها را با سوز دل به پایان می‌برد. (۰/۲۵)
- ۱۶ گرچه جان، تن را ادراک می‌کند و تن از جان آگاهی دارد و هیچ یک از دیگری پوشیده نیست اما توانایی دیدن جان به هیچ چشمی داده نشده است. (۰/۵)

۱۷ بی‌بهره از عشق، ملول و خسته شدن

۱۸ (نغمه‌های) نی سخن از راه خونین عشق را بیان می‌کند.

۱۹ عاشق واقعی

۲۰ آن که راه عشق نسپرده از حال عارف واصل بی‌خبر است.

۲۱ این بانگ نای آتش است و جریان هوا نیست؛ هر که این آتش (عشق) را ندارد الهی نابود باشد.

۲۲ اسرار من درون ناله‌ام پنهان است اما چشم و گوش ظاهری قدرت درک آن را ندارد.

۲۳ فریاد و زاری به آواز بلند (۰/۲۵)

۲۴ هر کس از عشق بی‌بهره باشد (۰/۲۵)، روزگارش تباه و بیهوده می‌شود. (۰/۲۵)

۲۵ میان واژه‌های «قلب» در مصراع اول و «قلب» در مصراع دوم، «جناس تام» وجود دارد. (۰/۵)

زیرا: دو واژه‌ی «قلب» و «قلب» از نظر لفظی، یکسان ولی در معنی با هم متفاوت‌اند.

(یا واژه‌ی «قلب» در مصراع اول به معنی «مرکز سپاه» و در مصراع دوم به مفهوم «دل» است.) (۰/۵)

۲۶ چون دو واژه‌ی «خویش» در تلفظ یکی هستند اما در معنی مختلف‌اند (اولی به معنی خود و دومی به معنی قوم و خویش است.)

۲۷ روان، روان = جناس تام
روان در مصراع اول به معنی روح و روان و در مصراع دوم به معنی ساده و رسا است.

۲۸ هر کسی کاو دور ماند از اصل خویش
باز جوید روزگار وصل خویش

۲۹ داد (حق) و داد (ادا کرد)

۳۰ چنگ (نام ساز) و چنگ (دست)

۳۱ نای (نی) و نای (نام زندان)

